

۱۵۲۲۰۴۱

بایسته‌های آیین دادرسی کیفری

(دوره بنیادین مشتمل بر تمام مباحث)

دکتر جواد هماسبی

دادیار دیوان عالی کشور و عضو هیأت علمی دانشگاه



سرشناسه : طهماسبی، جواد، ۱۳۴۵ -
 عنوان قراردادی : ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
 عنوان و نام پدیدآور : بایسته‌های آیین دادرسی کیفری (دوره بنیادین
 آیین دادرسی کیفری مشتمل بر تمام مباحث) / جواد طهماسبی
 مشخصات نشر : تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری : ۵۳۶ ص.
 شابک : 978-964-511-904-9
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیفا
 عنوان دیگر : دوره بنیادین آیین دادرسی کیفری مشتمل بر تمام مباحث
 موضوع : آیین دادرسی جزایی -- ایران
 موضوع : Criminal procedure -- Iran
 رده‌بندی کد : ۱۳۹۶ ب۲ ۹ط/۴۶۱۰ KMH
 رده‌بندی بری : ۳۴۵/۵۵۰۵
 شماره کتابشناختی ملی : ۴۸۲۴۱۱۰

هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، فای، الکترونیکی و...) از این اثر بدون اخذ مجوز
 از ناشر خلاصه‌شده و بیگردد قانونی دارد.
 لطفاً در صورت مشاهده، موارد را به شماره تلفن‌های ذیل اطلاع دهید.

۱۱۰۵

نشر میزان

بایسته‌های آیین دادرسی کیفری

دکتر جواد طهماسبی

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۶

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

شماره: ۳۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۱-۹۰۴-۹

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعد از چهارراه سهروردی، خ کاووسی‌فر، کوچه نکبسا، پلاک ۳۲، تلفن ۸۸۵۳۹۱۳۱

فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخرآزی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۴۶۷۷۰

واحد پخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتح و فرصت، پلاک ۱۰۴، تلفن ۸۸۳۳۹۵۲۹-۳۱

پست الکترونیکی: mizannasher@yahoo.com وب سایت: www.mizan-law.ir

فهرست کلی مطالب

۹	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
۲۱	بخش نخست - کلیات، دعوای عمومی و دعوای خصوصی
۲۲	فصل نخست - کلیات و اصول حاکم بر آیین دادرسی کیفری
۲۲	مبحث نخست - آیین دادرسی کیفری: از مفهوم شناسی تا ویژگی ها
۳۶	مبحث دوم - نظام های دادرسی کیفری و اصول، راه ریزی حاکم بر آیین دادرسی کیفری
۵۰	فصل دوم - دعوای عمومی در دادسرا
۵۰	مبحث نخست - مرجع تعقیب دعوای عمومی و شرح به آن
۹۵	مبحث دوم - پایان تعقیب دعوای عمومی
۱۶۱	فصل سوم - دعوای خصوصی در امور کیفری
۱۶۱	مبحث نخست - سبب و ماهیت دعوای خصوصی قابل طرح در دادگاه کیفری
۱۷۵	مبحث دوم - جبران خسارت وارده به بازداشت شدگان بی گناه
۱۸۳	بخش دوم - تحقیقات مقدماتی
۱۸۴	فصل نخست - تحقیقات مقدماتی: مفهوم شناسی و فرایند اقدامات تحقیقی
۱۸۴	مبحث نخست - مفهوم و مرجع تحقیقات مقدماتی
۲۰۹	مبحث دوم - اقدامات تحقیقی و ضوابط حاکم بر آن

فصل دوم - قرارهای قضایی تمهیدی.....	۲۶۵
مبحث نخست - قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضایی.....	۲۶۵
مبحث دوم - سایر قرارهای تمهیدی در مرحله تحقیقات مقدماتی.....	۳۰۳
فصل سوم - خاتمه‌ی تحقیقات: اقدامات بازپرس و دادستان و قرارهای نهایی.....	۳۱۲
مبحث نخست - قرارهای نهایی و قرار عدم صلاحیت.....	۳۱۳
مبحث دوم - کیفرخواست.....	۳۲۶
بخش سوم - صلاحیت، دادگاه‌های کیفری، اعتراض به آراء، ادله اثبات در امور کیفری.....	۳۳۹
فصل نخست - صلاحیت در امور کیفری.....	۳۴۰
مبحث نخست - مفهوم و ویژگی‌های صلاحیت.....	۳۴۱
مبحث دوم - اصول و قواعد تعیین شده صلاحیت دادگاه‌های کیفری.....	۳۴۵
فصل دوم - سازمان و صلاحیت دادگاه‌های کیفری.....	۳۸۰
مبحث نخست - دادگاه‌های با وحدت قاضی.....	۳۸۱
مبحث دوم - دادگاه‌های با تعدد قاضی.....	۴۱۴
فصل سوم - رسیدگی در دادگاه‌های کیفری.....	۴۲۷
مبحث نخست - اصول کلی و راهبردی حاکم بر رسیدگی در دادگاه‌های کیفری.....	۴۲۷
مبحث دوم - فرایند محاکمه در دادگاه‌های کیفری.....	۴۳۳
فصل چهارم - اعتراض به آراء.....	۴۵۳
مبحث نخست - اعتراض عادی به آراء.....	۴۵۴
مبحث دوم - اعتراض فوق العاده به آراء.....	۴۷۱

فهرست مطالب □ ۷

فصل پنجم - ادله اثبات در آیین دادرسی کیفری ۴۸۴

مبحث نخست - مفهوم و قواعد کلی ناظر بر ادله اثبات در امور کیفری ۴۸۵

مبحث دوم - انواع دلیل اثبات در امور کیفری ۴۹۲

فهرست منابع و مآخذ ۵۱۱

www.ketab.ir

پیشگفتار

آثار نگاشته با موضوع آیین دادرسی کیفری، در دو سطح «بنیادین» و «پیشرفته» طراحی و ارائه شده است. دوره پیشرفته مشتمل بر چهار جلد تحت عنوان آیین دادرسی کیفری است. جلد نخست به بررسی کلیات و اصول حاکم بر دادرسی‌های کیفری، دعوای عمومی، دعوای خصوصی اختصاص دارد و موضوع جلد دوم تحقیقات مقدماتی است، جلد سوم با موضوع صلاحیت، تشکیلات و ساختار دادگاه‌ها و نحوه رسیدگی، تجدیدنظر از آراء دادگاه‌ها، اثبات دعوا نوشته شده است. با توجه به نیاز جامعه علمی، دانشگاهی، حرفه‌ای و به طور اعم جامعه حقوقی به ادبیات حقوقی مبتنی بر قانون جدید، سه جلد موصوف که تاکنون تحریر آن‌ها به پایان رسیده در دو مقطع زمانی متفاوت^۱ در دسترس علاقمندان قرار گرفته است. چنانچه توفیق الهی نصیب شود و فرصت دیگری مهیا گردد، نسبت به نوشتن جلد چهارم با موضوع اجرای احکام کیفری اقدام شود.

دوره بنیادین یعنی اثر تحت نظر، براساس نیاز مقطع تحصیلی و مبتنی بر سرفصل‌های دانشگاهی (بخش اول و دوم آیین دادرسی کیفری یک و دوم آیین دادرسی کیفری دو)، همچنین با هدف رفع نیاز این گروه از دانش‌آموختگان برای شرکت در آزمونهای شغلی و کنکور مقاطع بالاتر، طراحی و تحت عنوان بایسته‌های آیین دادرسی کیفری تدوین شده است. دراین اثر سعی بر ارائه مطالب بنیادین آیین دادرسی کیفری مطابق با گستره قانون جدید است. جهت رعایت اختصار و جلوگیری از اطاله مطلب، مسائل اصولی و تاریخی درحد نیاز مورد اشاره قرار گرفته و از پرداختن

۱. جلد اول و دوم پاییز ۱۳۹۴ منتشر گردید که چاپ سوم آنها پس از بازنگری کامل نوام با چاپ نخست جلد سوم در بهار ۱۳۹۶ ارائه شد.

به اختلاف نظرها و موضوعات فرعی، خودداری شده است تا با توجه به گستردگی و حجم وسیع موضوعات قانون جدید، ضمن بررسی تمام این مطالب کتاب در حجم قابل قبولی تدوین و ارائه شود.

در پایان از تمام صاحب‌نظران دعوت می‌شود با ارسال نظرات خود به پست الکترونیکی Tahmasebi.dr@gmail.com نویسنده را در ارتقاء سطح این آثار یاری فرمایند. همچنین بر خود فرض می‌دانم از تمام اساتید و دوستانی که با تأکيدات مکرر خود دتیر را به سمت تحقیق و تدوین این کتب سوق دادند، تقدیر و تشکر نمایم.

جواد طهماسبی

خردادماه ۱۳۹۶ رمضان ۱۴۳۸

مقدمه

حده یکصد و پنج سال است که در کشور ما عدالت کیفری از نظر شکلی با توسل به سازوکارهای نوین در قالب مقررات «آیین دادرسی کیفری» نظام‌مند شده است. تغییر نام این شاخه حقوق کیفری در سال (۱۳۱۷) از «اصول محاکمات جزایی» به «آیین دادرسی کیفری» تأیید در ماهیت اقتباس شده آن از کشورهای اروپایی و به صورت خاص قانون ارائه شده پس از انقلاب کبیر فرانسه نداشت. قانون آیین دادرسی کیفری مجموعه قواعد و تشکیلاتی است که رسیدگی‌های کیفری از رهگذر آن انجام می‌شود و بر حرکت کارگزاران عرصه عدالت از لحظه کشف جرم تا پایان اجرای مجازات سایه افکنده و آنان را از سر آغاز به پایان این فرآیند رهنمون است. به عبارت دیگر می‌توان گفت کارگزاران عرصه عدالت کیفری، اعتبار وجودی و شرح وظایف و اختیاراتشان را از این قانون عاریه می‌گیرند.

مسیر اجرای ضوابط و مقررات قانون آیین دادرسی کیفری عرصه تقابل میان حقوق و آزادی‌های فردی با ضرورت حفظ نظم و امنیت اجتماعی است. به نحوی که چرخش و تمایل به یک طرف جز با تنه زدن به طرف مقابل مقدور نیست. هر چه بد سعی در جدایی این دو مقوله از همدیگر خطا است و کوبیدن بر طبل آن غیر لازم و بی‌سختی را باید این گونه مطرح کرد که مقررات آیین دادرسی کیفری باید به گونه‌ای تنظیم شود که ضمن رعایت تعامل و تعادل این دو مقوله، ثمره آن تضمین امنیت جامعه با رعایت حقوق و آزادی‌های فردی باشد. برخلاف تصور سطحی، منظور از فرد در این مقوله، تنها شخص متهم، شاکی و شاهد نیست، بلکه اهمیت آیین دادرسی کیفری در این است که برعکس قانون جزای ماهوی که مخاطب آن فقط ناقضان قانون است، تابعان این قانون تمام آحاد جامعه اعم از ناکرده بزه تا بزه‌کار است. اگر کسی نمی‌تواند بدون

دلیل فردی را احضار، جلب یا بازداشت کند و یا در حریم خصوصی او دخالت ناروا کند، به ضرس قاطع باید گفت که تنها در سایه احکام پیش‌بینی شده در قانون آیین دادرسی کیفری است. کدام فرد جامعه است که نیاز به این حمایت نداشته باشد؟ اما نباید فراموش شود همین افراد در وهله نخست نیاز به امنیت دارند.

تضمین امنیت جامعه و رعایت حقوق آحاد آن اقتضاء دارد که پا به پای تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی مقررات این قانون نیز به نحوی متحول و مبتنی بر آخرین نوآور، های علمی تنظیم شود که بتواند این اهداف را تحقق بخشد. با یک نگاه خردمندانه می‌توان علت تغییر و تحولات در حوزه آیین دادرسی کیفری و تشکیلات و ساختارهای آن را ناشی از این ضرورت دانست. از سال (۱۲۹۰) که «قانون موقتی اصول محاکمات برای» به تصویب کمیسیون خاص در وزارت عدلیه و سپس در سال (۱۲۹۱) به تأیید کمیسیون مربوط در مجلس وقت رسید، تا سال (۱۳۵۸) بارها دستخوش تغییرات و اصلاحات شد. از این زمان به بعد اصلاحات به لحاظ کلی بودن به تحولات مبدل گشت، به نحوی که در سال (۱۳۵۸) با تصویب شورای انقلاب و به موجب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی درجه و تقسیم‌بندی انواع دادگاه‌ها با تشکیل دادگاه‌های عمومی برچیده شد. البته در امور کیفری دادرسی در معیت دادگاه‌های موصوف تداوم حیات داد. با فاصله اندکی در سال (۱۳۶۱) رویکرد قانون‌گذار به درجه‌بندی دادگاه‌های کیفری شکل گرفت و با تشکیل دادگاه‌های کیفری (۱) و (۲) این هدف تحقق یافت. در سال (۱۳۷۳) دوباره نظام قضایی به سمت عمومی بودن دادگاه‌ها تمایل پیدا کرد و دادگاه‌های عمومی و انقلاب این بار عمده‌تر از گذشته با حذف دادرسی ایجاد شد. یک دهه دیگر در آزمون و خطای تکراری سه سال تا سرانجام در سال (۱۳۸۱) با اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب برای دیگر شاهد احیاء دادرسی و تشکیل دادگاه‌های درجه‌بندی شده باشیم. در این وضعیت دادگاه عمومی جزایی با یک قاضی و دادگاه کیفری استان با تعدد قاضی و در معیت آن‌ها دادرسی عمومی و انقلاب و در بخش‌ها دادگاه عمومی بخش چارچوب ساختارهای کیفری را شکل دادند. مدور بودن این اصلاحات نشان از سردرگمی سیاست جنایی در نحوه شکلی مقابله با جرم دارد و نمی‌توان از آن به عنوان تحولاتی یاد کرد که درصدد تضمین امنیت بهتر جامعه یا رعایت بیشتر حقوق و آزادی‌های فردی باشد.

پایان این آزمون و خطا به بازگشت کلی به نظام پیش تجربه شده تشکیل دادسرا در معیت دادگاه‌های درجه‌بندی شده و رسیدگی به جرایم مهم با تعدد قاضی ختم گردید. این نظام از یک سو از فقدان آیین دادرسی کیفری متناسب رنج می‌برد، زیرا آیین دادرسی کیفری حاکم همان قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری بود که متناسب با ساختار دادگاه‌های عمومی تصویب شده بود. از سوی دیگر بازگشت شتاب‌زده به نظام پیشین، فرصت متناسب‌سازی ساختارها و تشکیلات کیفری با اقتضائات روز را سلب کرده بود، به نحوی که ساختارهای موجود نیاز به ارتقاء و به روزرسانی و متناسب‌سازی داشت. برای رفع این کاستی‌ها ضرورت تدوین قانون آیین دادرسی کیفری به نحوی که علاوه بر اصلاح فرایندها و نحوه رسیدگی متضمن اصلاح ساختارها و مراجع کیفری نیز باشد، بر کسی پوشیده نبود.

در سال (۱۳۷۹) هم‌زمان با تدوین قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب که سرانجام در سال ۱۳۸۱ با شهرت قانون احیاء دادسرا تصویب نهایی و اجرا شد، دادگستری استان تهران جمعی از قضات دادگستری را به منظور تدوین لایحه آیین دادرسی کیفری مأمور نمود که نتایج کار آنان در سال (۱۳۸۳) در قالب لایحه‌ای با (۳۴۲) ماده ارائه گردید.

در سال (۱۳۸۳) «اداره کل تدوین لوایح و برنامه‌ها» به عنوان یکی از ادارات کل زیرمجموعه معاونت حقوقی و توسعه قضایی به صورت خاص برای پیگیری امور مربوط به لوایح و برنامه‌ها در قوه قضاییه تشکیل شد. کار پی‌گیری لایحه موصوف به این اداره کل محول شد. مجموعه مدیران و کارشناسان شاغل در این دستگاه و عقیده داشتند که «لایحه جامع آیین دادرسی کیفری» باید در سطح وسیع‌تر تدوین شود. به نحوی که شاهد بهره‌گیری از دست‌آوردهای علمی جدید علمی جنایی در زمینه‌های مختلف از جمله مطالعات بزه‌دیده‌شناسی، سیاست جنایی مشارکتی، سیاست جنایی مبتنی بر دادرسی افتراقی، عدالت ترمیمی، حقوق شهروندی و رعایت حریم خصوصی باشیم. همچنین ضرورت طراحی تشکیلات و ساختارهای کیفری منطبق با نیازهای روز، از جمله مقوله‌هایی بود که در پیش‌نویس لایحه به آن توجه نشده بود. به طور کلی پیش‌نویس تهیه شده تنها پالایش مقررات سابق قانون اصلاح تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در

امور کیفری مصوب (۱۳۷۸) بود که با بهره‌گیری حداقلی از قانون آیین دادرسی کیفری (۱۲۹۱) تدوین و از نوآوری خاصی برخوردار نبود و به نوعی بازنویسی مقررات قبلی بود. شفاف‌سازی و نظارت دقیق بر ضابطان و تعیین دقیق حدود و وظایف آن‌ها، ضرورت تفکیک مرحله تعقیب از تحقیق، توسعه اختیارات دادستان در بهره‌گیری از اصل موقعیت داشتن تعقیب، توجه بیشتر به حقوق شهروندی و حریم خصوصی، تدوین اصول حاکم بر دادرسی‌های کیفری، وضعت مقررات جدید در مورد کارشناسی، بهره‌دهی از سیاست جنایی مشارکتی از طریق شرکت و مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد در عقید امور کیفری، تدوین شرح وظایف دادستان کل، توسعه قرارهای تأمینی و پیش‌بینی قرار نهالت قضایی، امکان مطالبه خسارت ناشی از بازداشت افراد بی‌گناه، حذف موارد بازداشت موقت اجباری از قوانین، پیش‌بینی دادرسی‌های افتراقی در زمینه اطفال و نوجوانان، بررسی جرایم نیروهای مسلح، دادرسی اشخاص حقوقی، دادرسی الکترونیکی و جرایم رایانه‌ای، پیش‌بینی تشکیلات لازم برای اجرای احکام کیفری، توسعه مقررات مربوط به اجرای احکام، شفاف‌سازی آیین‌های رسیدگی در دادگاه‌ها و دیوان عالی کشور و پیش‌بینی تشکیلات دادگاه‌ها، دادرسرا، دیوان عالی کشور و نسخ صریح ده‌ها عنوان قانون از جمله رئیس مطالب جدیدی است که در لایحه جامع به آن پرداخته شد.

از طرفی در سال (۱۳۸۱) سیاست‌های کلان مقام محترم رهبری (دام عزه) پیرامون مسائل قضایی ابلاغ شده بود که بخش قابل توجهی از آن باب در تدوین قانون آیین دادرسی کیفری تحقق می‌یافت. استفاده از تعدد قضات در دادرسی مهم، تخصصی کردن رسیدگی به دعاوی در سطح مورد نیاز، یکسان‌سازی آیین دادرسی در نظام قضایی کشور، تعیین ضوابط اسلامی مناسب برای ضابطان و کارشناسان و محدود کردن حبس‌ها (پیش از محکومیت) مهمترین سیاست‌هایی هستند که در ابلاغیه موصوف تصریح شده بودند و در تدوین این قانون باید جامه اجرایی بر آن‌ها پوشیده می‌شد. مجموع این ضرورت‌ها و تأکید صاحب‌نظران بر نیاز به انجام مطالعات دقیق و وسیع‌تر جهت طراحی اصول راهبردی آیین دادرسی کیفری و تدوین ضوابط و مقررات مبتنی بر آن اصول، منجر به برنامه‌ریزی برای انجام مطالعات و تدوین لایحه جامع آیین دادرسی کیفری شد.

بر این اساس کمیته‌های متعددی تشکیل گردید^۱ که به صورت موضوعی مطالعات را به عهده داشتند. این کمیته‌ها عبارت بودند از: کمیته حمایت از حقوق بزه‌دیده، کمیته ضابطان دادگستری، کمیته بررسی علمی صحنه جرم و جمع‌آوری ادله و کارشناسی، کمیته بررسی مقررات رسیدگی در دادگاه، کمیته قرارهای تأمین و نظارت قضایی، کمیته جبران خسارت از افراد بازداشت شده بی‌گناه، کمیته مقررات اجرای احکام کیفری، کمیته ادله اثبات جرم، کمیته دادرسی عادلانه و مقررات بین‌المللی، کمیته تشکیلات دادگاه‌ها و صلاحیت آن‌ها، کمیته نحوه اعتراض به آراء و مراجع آن، کمیته تحقیقات مدعی‌العموم و اختیارات دادستان و بازپرس، کمیته دادرسی الکترونیکی، کمیته دادرسی از راقی اطفال و نوجوانان و در پایان مراحل تصویب کمیته رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی همزمان با مطالعات این کمیته‌ها بخش دادرسی نیروهای مسلح نیز در سازمان قضایی نیروهای مسلح در دست تدوین بود.

علاوه بر این، مطالعات، مادی برآمده از مرور زمان^۲، اعاده دادرسی و هزینه‌های دادرسی و سایر موارد جزئی توسط کارشناسان انجام شد و به صورت انفرادی نظر اساتید آیین دادرسی کیفری اخذ می‌گردد. مطالعات تطبیقی نیز بخشی از قلمرو این مطالعات را به خود اختصاص داده بود. کمیته‌ها و پژوهشگران موصوف حاصل مطالعات خود را در قالب پیش‌نویس اولیه مواد به کارگروه تدوین‌کننده لایحه ارائه می‌دادند. کارگروه تدوین‌کننده به طور کلی مرکب از اعضای بودند که علاوه بر برخورداری از سابقه کار قضایی اکثر قریب به اتفاق آنان در مقطع دکتری مشغول تحصیل بودند. حسب مورد نمایندگان مجلس، مسؤولان عالی‌رتبه قضایی کارشناسان ذی‌ربط در حوزه‌های مختلف، اساتید دانشگاه و پژوهشگران مربوط نیز در این کارگروه حضور می‌یافتند.

ماحصل تلاش کارگروه موصوف توسط ریاست محترم قوه قضاییه در رأس کارگروه دیگری مرکب از جمعی از معاونان و مسؤولان عالی‌رتبه قضایی و اساتید دانشگاه

۱. نگارنده در این زمان و تا زمان تصویب نهایی و اجرای قانون، مدیریت اداره کل تدوین لوایح و برنامه‌های قوه قضاییه را به عهده داشت.

۲. مقررات مربوط به مرور زمان که در حال حاضر به موجب مواد (۱۰۵) الی (۱۱۳) قانون مجازات اسلامی مصوب (۱۳۹۲) مقرر شده است. در لایحه آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده بود که در مراحل پایانی تدوین این لوایح در قوه قضاییه به لایحه مجازات اسلامی منتقل گردید.

مورد بحث و بررسی قرار گرفت و پس از تدوین نهایی لایحه، جهت اخذ نظر به دادگستری‌های کل استان‌ها و دانشگاه‌ها و مراکز علمی و حرفه‌ای مثل کانون‌های وکلا ارسال شد. نظرات واصل شده در حدود یک‌هزار و پانصد صفحه دسته‌بندی و در جلسات کارگروه تدوین‌کننده اولیه به مدت (۱۰) ماه با تشکیل جلسات روزانه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و لایحه نهایی تدوین گردید که پس از بررسی مجدد توسط رئیس محترم قوه قضاییه و ویراستاری ادبی و در تاریخ ۱۳۸۶/۸/۷ جهت تقدیم به مجلس شورای اسلامی به دولت ارسال شد. این نکته باید اضافه شود که در زمان تدوین پیگیری تصویب لایحه دو سمینار دانشگاهی در دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه تهران تشکیل و لایحه در معرض نقد اساتید و دانشجویان قرار گرفت.

بررسی لایحه در کمیسیون‌های لوایح دولت با دعوت از نمایندگان دستگاه‌های اجرایی به مدت (۹) ماه به طول انجامید که سرانجام در تاریخ ۱۳۸۷/۱۱/۶ توسط مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد. در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی کارگروهی مرکب از استادان صاحب‌نظر و به نام آیین دادرسی کیفری از دانشگاه‌های معتبر دولتی و تعدادی از قضات -یوان عالی کشور و مشارکت پژوهشگران مرکز موصوف و اینجانب به عنوان مسوول این موضوع در قوه قضاییه، مجدداً لایحه را بررسی نمودند.

سرانجام در اجرای اصل (۸۵) قانون اساسی اختیار تدوین آزمایشی این لایحه به کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی واگذار شد. فرایند بررسی آن در کمیسیون از خرداد سال (۱۳۸۸) آغاز که در چند مرحله تصویب و پس از اصلاح ایرادات شورای محترم نگهبان، تا ماده (۵۷۰) این قانون در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۴ به تصویب نهایی کمیسیون و در تاریخ ۹۲/۱۲/۲۶ به تایید نهایی شورای محترم نگهبان رسید که برای مدت سه سال به صورت آزمایشی اجرا شود. در فرایند تصویب و اصلاح این بخش از قانون، شورای محترم نگهبان در چهار مرحله و پس از تشکیل (۴۰) جلسه مجموعاً (۱۲۸) ایراد و تذکر مطرح کرد. متناسب با این ایرادات و تذکرات در کمیسیون قضایی و حقوقی برای تأمین نظر شورای محترم نگهبان اصلاحات لازم انجام گرفت. سرانجام این بخش از قانون در روزنامه رسمی ۲۰۱۳۵ مورخ ۱۳۹۳/۲/۳ ابلاغ و در ماده آخر آن پیش‌بینی شد که شش ماه پس از ابلاغ لازم الاجراء می‌شود.

بخش‌های هشتم الی دوازدهم قانون شامل مقررات مربوط به آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح، دادرسی الکترونیکی، دادرسی جرایم رایانه‌ای و دادرسی جرایم اشخاص حقوقی یعنی از ماده (۵۷۱) الی (۶۶۹) در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۸ به تصویب نهایی کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسید، پس از چند مرحله رفع ایرادات شورای محترم نگهبان در تاریخ ۹۳/۷/۳۰ تایید نهایی شد. در ماده آخر آن مقرر شد که: «این قانون با رعایت ترتیب شماره مواد به عنوان بخش‌های هشتم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ الحاق و مقررات در دو قانون از تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱ لازم الاجراء است.» مدت آزمایشی این بخش نیز همان سه سال تعیین شد.

هنوز قانون به بوبه آزمون و اجرا گذاشته نشده بود که دست تقدیر از آستین اصلاحات درآمد. رأی دوازدهم قرار داد و در قالب یک طرح که سرانجام با (۳۸) ماده در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۱۲ به تصویب نهایی کمیسیون قضایی و حقوقی و در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۲۷ به تایید شورای محترم نگهبان رسید، بخش‌هایی از قانون با اصلاحاتی مواجه شد. قضاوت برآموختن این اصلاحات باید به صورت موردی صورت گیرد که از حوصله این جستار خارج است. اما به طور کلی می‌توان گفت محور این اصلاحاتی چالش‌های اجرایی بود. به عنوان مثال توسعه صلاحیت دیوان عالی کشور به جرایم درجه چهار گرچه مطلوب بود، اما چالش فراروی آن کمبود قضات دیوان مطرح شد. انجام تحقیقات مقدماتی تمام جرایم توسط بازپرس منطبق با اصل تفکیک مرحله تعقیب از مرحله تحقیق ولی کمبود بازپرس مانع اجرای آن است. ضرورت حضور هر سه عضو جهت تشکیل دادگاه‌های با تعدد قاضی و دیران عالی کشور، گرچه منطبق با بند (۷) سیاست‌های کلان قضایی، اما مانع آن کمبود قضات بود. بخشی دیگر از اصلاحات، رفع ایرادات نگارشی، رفع ابهام از عبارات قانونی و یا نکات جدیدی بود که پس از تصویب قانون مطرح شده بود به نحوی که می‌توان گفت این بخش از اصطلاحات به نوبه خود اسباب ارتقاء قانون را فراهم نمود. نحوه تحقیق از عاقله و رعایت حقوق اتباع بیگانه که تحت تعقیب قرار می‌گیرند از جمله این نکات جدید است.

مطالعات و بررسی‌های علمی صورت گرفته جهت تدوین این قانون با این هدف

انجام شده است که مقررات و ضوابط آن مبتنی بر اصول و مبانی علمی وضع شود. چه اینکه آثار تازیانة تفسیرها مبتنی بر تشخیص فردی و سلیقه‌ای در وضع مقررات آیین دادرسی کیفری بر پیکر نظام حقوقی کشورمان فراموش نشدنی است. زمانی اعتراض به آراء دادگاه‌ها غیر ممکن بود غافل از اینکه «حکمت» در صورتی قطعی است که انشاءکننده آن مجتهد جامع الشرایط قضاوت باشد. در عصر دیگری دادرسان، دادستان و بازپرس خلاف موازین شرع معرفی شدند، غافل از اینکه ماهیت و پیچیدگی جرایم و رسیدگی به آن‌ها با گذشته‌ها بسیار متفاوت است.

آنچه گفته شد به مفهوم مبرا بودن قانون جدید از هر عیب و نقصی نیست. در بعضی موارد خطاهای صورت گرفته قابل اغماض نیست چه اینکه اندیشه‌ها، مبانی و قلم‌های مؤثر در حاکم راصلاح قانون از مسیر تدوین تا تصویب و ابلاغ بسیار متفاوت است. تعدد مراجع تصمیم‌گیر و تصمیم‌گیر و تشتت مبانی، سبب تعارض می‌شود و این واقعیتی است در نظام تدوین و تصویب قانون در کشور ما از آن رنج می‌برد. اگر قانون مدنی یا آیین دادرسی کیفری (۱۲۹۱) علی‌رغم ایرادات وارد، نسبت به دیگر قوانین از انسجام و استحکام بیشتری برخوردار هستند و یا قوانین تصویب شده توسط شورای انقلاب به حق از این ویژگی برخوردارند، به این علت است که تعداد محدودی از صاحب‌نظران از ابتدا تا انتها متولی و مسئول تدوین این قوانین بوده به نحوی که تصویب آن‌ها از طوفان‌های فصول مختلف تصویب و تازیانة تشتت مبانی در امان بوده است.

علاوه بر ایرادات ناشی از وضعیت موصوف، این قانون با چالش اجرایی مواجه است. گرچه هجمه غیر قابل اجرا بودن آن ناصواب و افراطی است، اما سرورت مهیا نمودن زیرساخت‌ها چالشی جدی است. اگر زیرساخت‌های اجرایی این قانون گرچه با گذر زمان و در فرصت مناسب مهیا نشود، همانند فراهم شدن تعداد قضاات مورد نیاز، تشکیل واحدهای جدید مثل مددکاری اجتماعی، تخصصی کردن ضابطان و ارتقاء سطح آنان، متناسب‌سازی نیروی انسانی (کمی و کیفی) و دیگر امکانات با میزان ماهیت امور، اجرای دقیق دادرسی الکترونیکی و بهره‌گیری از فن‌آوری اطلاعات و... باید در آینده پرچم اصلاحات دورانی برای بازگشت به وضعیت سابق برافراشته شود. اما این بار نه با هدف ارتقاء و پیشرفت نظام قضایی، بلکه جهت تسلیم شدن به

مقدورات. انشاالله هرگز آن روز فرا نرسد و در نظام حقوقی کشورمان همواره شاهد ارتقاء نظام تقنینی، ساختاری و اجرایی برای تحقق عدالت صحیح و خدا پستدانه باشیم. در آثار نگاشته شده از جمله کتاب تحت نظر به دور از هرگونه تعصب و علقه خاطر به قانون، سعی شده است مبتنی بر چارچوب‌های علمی و رعایت اصول تحلیل و تفسیر حقوقی و مطابق با سرفصل‌های دانشگاهی مطالب بحث و بررسی شود. امید آن‌که مورد قبول و توجه جامعه حقوقی کشور واقع شود.